



نخواهای عاشقانه دخترانه با شهید محراب / اسدالله هدیه شهادت را از امام حسین(ع) گرفت

شهید آیت الله مدنی در موقعیت های مختلف، هرگز ساده زیستی و زهد را فراموش نکرد و همیشه با زندگی اشرافی، علنی و عملی، مبارزه کرد. زندگی ساده او همیشه توطئه های دشمن را برای تخریب شخصیت وی نقش برآب می کرد.

شهید آیت الله مدنی در موقعیت های مختلف، هرگز ساده زیستی و زهد را فراموش نکرد و همیشه با زندگی اشرافی، علنی و عملی، مبارزه کرد. زندگی ساده او همیشه توطئه های دشمن را برای تخریب شخصیت وی نقش برآب می کرد. به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، اقدامات شهید مدنی در تثبیت اوضاع تبریز، مقابله با اقدامات سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و نیز بنی صدر همچنین خنثی کردن توطئه های دشمنان کشور، کینه عمیق دشمنان را موجب شده بود. آنان درصدد ترور و به شهادت رساندن این عالم برآمدند. منافقین روز ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ او را مانند جدش، علی بن ابی طالب در محراب به شهادت رساندند.

آیت الله مدنی مانند تمام نماز جمعه ها، بعد از خطبه های نماز جمعه شروع به نماز خواندن کرد که در آن لحظه یکی از حضار و نمازگزاران به ایشان نزدیک شد. فرد مزبور «مجید نیکو» بود. مقارن ساعت ۴۰:۱ بعد از ظهر، هنگامی که آیت الله مدنی بعد از اتمام نماز جمعه ایستاده بود و حجت الاسلام میرزا نجف آقازاده، یکی از روحانیون تبریز مشغول سخنرانی بود، شخص ناشناس به منظور پرسش به طرف آیت الله مدنی رفته، در حالی که تظاهر به آغوش گرفتن ایشان می کند، وی را ترور کرد. بنا به گفته شاهدان عینی در این لحظه، دو انفجار متوالی روی می دهد که متعاقب آن شهید مدنی روی زمین افتاده و چندین نفر هم مجروح می شوند.

ضارب نیز متلاشی می شود. در این حادثه حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر مجروح شدند که به بیمارستان های تبریز منتقل شدند، ساعت ۳ بعد از ظهر مهندس طاهری، استاندار وقت آذربایجان شرقی در پیامی رادیویی ضمن اعلام خبر شهادت آیت الله مدنی، مردم را به آرامش دعوت کرد.

طبق وصیت آیت الله مدنی، پیکر او می بایست به شهر مقدس قم منتقل می شد. بعد از ظهر ۲۱ شهریور ۱۳۶۰، صدها سیاهپوش آذربایجانی با سینه ای چاک و چشمانی گریان مردی را بر دست های خود تشییع می کردند که سالیان درازی بود در عالم رؤیا از جدش امام حسین (ع) شنیده بود: «یا بنی انت مقتول» و اینک او به این آرزویش رسیده بود.

مردم در حالی که شعارهایی چون «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، امام جمعه ما پیش شهداست امروز»، «آمریکا ، آمریکا با خون وضو می گیرم، سازش نمی پذیریم»، «خدایا ، خدایا نگه دار رهبر ما ...» سر می دادند، پس از گذشتن از خیابان های تبریز، در میدان نماز آن شهر اجتماع کردند و به عزاداری پرداختند.

۲۰ شهریور را فرصتی دانسته تا از بعد دیگر به زندگی آیت الله شهید مدنی، دومین شهید محراب تبریز اولین ها بپردازیم و این بار به سراغ دختران این شهید می رویم که در آن زمان دختران جوان و نوجوانی بودند که در این مصاحبه با هر سوالی به آن دوران برگشته و وصف شهادت پدر را می گویند.

بتول مدنی، دانش آموخته تاریخ تشیع از دانشکده ادیان، دختر کوچک شهید آیت الله مدنی است که وقتی نام پدر را شنید، اشک از گوشه چشمانش جاری شد.

دختر کوچک شهید آیت الله مدنی گفت: زمان شهادت پدرم ۱۷ ساله بوده و ۲۰ روز بود که عقد کرده بودم. وی افزود: ما در قم زندگی می کردیم و آن زمان ترورهای زیادی انجام می گرفت که امام راحل (ره) اجازه سفر به پدر را نمی دادند و می گفتند که من نگران هستم به همین منظور پدرم برای مراسم عقد من که آخرین دخترنشان بودم نتوانستند حاضر شوند.

بتول مدنی خاطرنشان کرد: بنده سه روز قبل از شهادت با همسرم به دیدار پدرم آمده و چند روزی پدر و دختری گذرانیدیم که هیچ گاه فراموش نمی کنم.

وی با بیان اینکه پدرم از شهادت خود خبر داشتند و حتی این را از امام حسین(ع) خواسته بودند، تصریح کرد: عصر روز قبل از شهادت یعنی روز پنج شنبه، نوزدهم شهریورماه پدر با همه فرزندان خود تماس گرفتند در حالی که این کار را هیچ وقت انجام نمی دادند و همیشه ما با پدر تماس می گرفتیم، همه خانواده از این کار خوشحال شدیم.

دختر شهید محراب تبریز ادامه داد: پدرم با تماسی که داشت، از حال همه اعضای خانواده و حتی نوه هایش جویا شد و این کار غیرمنتظره برای ما بود چراکه پدرم سرشان خیلی شلوغ بود ولی آن روز تماس گرفته و سفارشات زیادی کردند که از جمله آنها انس با قرآن بود.

وی بیان کرد: یادم هست پدرم حین صحبت با من تاکید زیادی کرد تا سوره واقعه را بخوانم. بتول مدنی با اشاره به اینکه ما نمی دانستیم دلیل حال خوش پدر چیست، افزود: مطمئنم خودشان به این واقف بودند

که شهادتشان نزدیک است. وی تصریح کرد: حتی اطرافیان پدر در آن شب نیز روایت می کردند که آن شب یکی از شب های فوق العاده ای بوده به طوریکه ایشان خیلی با نشاط و شاداب بودند و حتی بعد از نماز شب با جوانان در بیت امام جمعه به گفت و گو نشسته اند.

دختر کوچک شهید مدنی ادامه داد: حتی خواهر بزرگتر از من چند شب قبل از شهادت پدرم خواب دیده بود که اخبار شهادت پدر را اعلام می کنند و این باعث نگرانی خواهرم شده بود و با سختی و اتوبوس به سمت تبریز حرکت کرد و در بیت پدر در حال وضو گرفتن و رفتن به نماز جمعه بود که متوجه تلفن های مشکوک می شود و بعد هم با پیکر پاک پدر مواجه می شود.

بتول مدنی بیان کرد: پدرم شخصیت برجسته ای داشته و در عین وقار و ابهتی که داشتند، افتادگی و مهر و محبت زیادی در وجودشان موج می زد، شاید کسی به دلیل این ابهت فکر می کرد نمی تواند به ایشان نزدیک شود اما بعد از چند کلامی با پدر حتما جذب او می شد.

رُباب دختر دیگر شهید آیت الله مدنی و البته دختر بزرگ ایشان است؛ دختر بزرگ شهید مدنی در رابطه با دخترانه هایشان با پدر شهیدش این چنین گفت: قبل از شهادت با همه تماس گرفته و تلفنی صحبت کردند و ما را به قرآن و توکل بر خدا دعوت می کردند و سفارش های دیگری که قدر انقلاب را بدانیم.

وی افزود: آن زمان مانند امروز نبود که تلفن در اختیار همه باشد ولی با سختی زیاد با همه تماس گرفته و جویای حال شدند در حالیکه وقتی ما تماس می گرفتیم بعد از احوال پرسی خداحافظی می کردند و می گفتند مردم مطالباتی دارند و نمی توانم آنها را پشت در بگذارم.

دختر بزرگ شهید محراب خاطرنشان کرد: از صدای پشت تلفن پدر می شد فهمید که حال پدرم آسمانی است و انگار می داند که شهید خواهد شد.

وی افزود: من در آن زمان ۳۰ ساله بودم و همیشه مانند هر دختر دیگری ابهت پدر و شخصیت و وقار ایشان برای من الگوی ایده آل یک مرد بود.

رباب مدنی بیان کرد: اخلاص و راستگو بودن پدر بارزترین ویژگی پدرم از دیدگاه من که دخترشان هستم، بود.

سخن آخر....

شهید آیت الله مدنی در موقعیت های مختلف، هرگز ساده زیستی و زهد را فراموش نکرد و همیشه با زندگی اشرافی، علنی و عملی، مبارزه کرد. زندگی ساده او همیشه توطئه های دشمن را برای تخریب شخصیت وی نقش برآب می کرد.

خط سرخ شهادت، خط آل علی(ع) است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به فرزندان پاک آن بزرگواران و پیروان خط آنان ودیعه نهاده شده است.

شهید آیت الله مدنی، پس از پیروزی انقلاب و شکست توطئه های آمریکا و مزدوران داخلی اش، در سنگر نماز جمعه ماهیت پلید لیبرال ها و منافقین کوردل را بر مردم آشکار می کرد. این امر باعث شد تا آنان این چهره درخشان را هدف کینه خود قرار دهند. آیت الله مدنی در نهایت بیستم شهریورماه ۱۳۶۰، پس از اتمام خطبه های نماز جمعه با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید تا مزد سال ها مبارزه در راه باطل برای احقاق حق را از جد بزرگوارش دریافت کرده باشد.